خبر

درآمد «ماه دوم» به کودکان غزه اختصاص می‌یابد

سومین نمایشگاه «ماه دوم» در نگارخانه لاله برپا می‌شود و هنرمندان تجسمی در حرکتی بشردوستانه درآمد حاصل از فروش آثار این نمایشگاه را از کودکان غزه اختصاص خواهند داد. پس از برگزاری موفق دومین نمایشگاه ماه دوم که در اردیبهشت ۱۴۰۲ با استقبال خوب هنرمندان شاخص و شهروندان روبه‌رو شده بود، سومین نمایشگاه ماه دوم با کیوریتوری محمدعلی سعیدی زیر نظر مدیریت هنرهای تجسمی و امور موزه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برگزار می‌شود. سومین نمایشگاه با مشارکت هنرمندان مطرح و نمایش منتخبی از آثار ۳۰ هنرمند معاصر شنبه ۸ اردیبهشت ساعت ۱۶ در نگارخانه لاله افتتاح می‌شود. این نمایشگاه تا ۲۶ اردیبهشت از ساعت ۹ تا ۱۷ و پنجشنبه‌ها ساعت ۹ تا ۱۲ به غیر از ایام تعطیل دایر خواهد بود. در این نمایشگاه آثاری از: ناصر اویسی، رضا بانگیز، اردشیر بروجنی، بهمن بروجنی، صادق بریرانی، طاها بهبهانی، صادق تبریزی، بهنام جلالی جعفری، هادی جمالی، مهدی حسینی، ابراهیم حقیقی، مصطفی خزایی، کامبیز درمبخش، محمدعلی سعیدی، هوشنگ سیحون، پرویز شاپور، منیژه صحی، امیر شاهرخ‌فر یوسفی، منصور قندریز، عباس کیارستمی، مارکو گریگوریان، مرتضی گودرزی دیباج، حسین محجوبی، اردشیر محصص، ایراندخت محصص، بهمن محصص، مرتضی ممیز، بهداد نجفی اسداللهی، احمد نصراللهی و رضا هدایت در معرض دید علاقه‌مندان قرار دارد.

در گفت‌وگوی «جام جم» با حجت الاسلام سیدعلی بطحائی، فرقه‌شناس و پژوهشگر جریان‌های اسلامی معاصر بررسی شد

ضرورت جریان‌شناسی تحریف تاریخ ایران

علی مظاهری
گروه فرهنگ

شکست اسرائیل و تغییر هژمونی، بی‌تردید نظام سلطه را بیش از پیش بر آن می‌دارد که به ریشه‌ها و بنیادهایی یورش ببرد که باعث ایجاد تغییر در بینش اسلامی با چیرگی و فرادستی ایران به عنوان ام‌القرای پیروان اسلام ناب‌محمدی (شیعه امامیه) شده، همچنان‌که فوکویاما پس از شکست عراق در جنگ تحمیلی تاکید کرد که باید این انقلاب را با رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی از پا انداخت! اکنون بازشناخت خودمان، ریشه‌های‌مان و شناسایی موقعیت‌مان و روشنگری درباره اسلام سنتی و اسلام سیاسی، ضروری و از محورهایی است که به نظر می‌رسد برای پرورش و شکوفایی و توان‌افزایی نسل نو به آنها نیاز داریم. باید بدانیم پخش سریال حشاشین فقط «نوک یک کوه یخ» است که به‌زودی با تولیدات ضدایرانی و ضدشیعی بیشتر خواهد شد و اگر در زمینه بازشناخت هویت اسلامی ایرانی‌مان کار نکنیم، دست جریان رقیب فرهنگی را برای تحریف باز خواهیم گذاشت. بر همین اساس با دکتر سیدعلی بطحائی؛ متخصص کلام و جریان‌شناس فرقه‌های اسلامی به گفت‌وگو پرداختیم تا لایه‌های پیدا و پنهان حشاشین، مجموعه تلویزیونی پرمخاطب جهان عرب در رمضان ۲۰۲۴ را بکاویم و همچنین راهبردهایی فراراه آینده «جبهه نرم فرهنگی» را بررسی کنیم.

ایران اسلامی و کنش‌های شیعیان اسماعیلی

جریان‌شناسی جهان اسلام معاصر، حوزه پژوهشی کمتر کاویده‌شده و دانش بکری است. بسیار جای خوشوقتی است که روزنامه جام‌جم روی بررسی زوایای متعدد سریال «حشاشین» تمرکز کرده، زیرا تاریخ اسماعیلیه در ایران اسلامی و کنش‌های شیعیان اسماعیلی در حاشیه بایسته‌ای قرار ندارد. تاریخ نزاری‌ها که این سریال به آن پرداخته، مربوط به منطقه «لوانت تاریخی» شامل شامات، مصر، لبنان، اردن و ایران است. یعنی در ماجرای تاریخ حشاشین، ایران ما در کنار سایر مناطق لوانت تاریخی برای چند قرن درگیر فعالیت‌های نزاریان شد و بعد اصل حضور حسن صباح (متوفی ۵۱۸ قمری) در تاریخ ایران نیز مربوط به همین پیروان نزار بن المستنصر (متوفی ۴۷۸ قمری) است که از جانشینی خلافت فاطمیان مصر کنار گذاشته شد و در ایران به نسبت مصر به او اقبال بیشتری می‌شود. به عبارتی توجه کمرنگ به نزاری‌ها در منطقه لوانت است و عنایت افزون‌تر در ایران.

گروه تحریف‌شده

این سخن درباره مصر زبانزد است که مصر «سنی‌المذهب و شیعی‌الهوی» است، یعنی حال و هوای تشیع در سر مردم آن سامان (فسطاط قدیم و مصر جدید) پررنگ است و این نکته را در تحلیل سریال حشاشین باید در نظر گرفت. در تیزرهای تبلیغی و تریلر سریال حشاشین پیش از ماه مبارک رمضان در مورد این فرقه به‌صراحت اعلام شد که «ان الطائفه التی ارعبت العالم» یعنی مخوف‌ترین گروهی که جهان را ترساند! مصر با این سریال قصد تعریض به اسلام سیاسی و در لایه‌های پنهان بعدی به ظرافت قصد شیعه‌هراسی سیاسی را داشت، هرچند از قسمت‌های سریال می‌توان برداشت‌های دیگری نیز ارائه داد. در روزهای اول پخش روزنامه «الشرق الاوسط» که یک خبرگزاری سکولار در عربستان است با اظهار خوشحالی از پخش این سریال گزارشی را منتشر کرد که حشاشین در راستای تعریض به اخوان المسلمین و تخریب چهره این جریان پرنفوذ و موثر جهان اسلام است و تحلیل‌هایی در مورد رابطه حشاشین، شیعه و اسلام سیاسی منتشر کرد، با این‌که امسال سریال رمضانی عربستانی‌ها (خیوط المعازیب؛ ریسندگی عباهای زردوز) پخش شد که به جدال تند سنت و مدرنیته می‌پرداخت و سعی در تحقیر سنت زیر چتر مدرنیته داشت، ولی الشرق الاوسط فقط روی حشاشین تمرکز کرد و نگاهی تحلیلی به سریال عربی خودشان نداشت.

> **چهره غزالی در این سریال تجلی ورژن سکولاری است که السیسی می‌پسندد و آن را در برابر نهاد طاها حسینی که مورد پسند سکولارهای مصر است، قرار داده**

دولت قدرتمند سایه

شبکه المتحده ـ از مهم‌ترین رسانه‌های جهان عرب ـ سرمایه‌گذار این سریال بود که با توجه به ابعاد و سکانس‌های پرهزینه سریال به نظر می‌رسد مبلغ سرمایه‌گذاری بیشتر از ۱۲ میلیون دلار باشد. مصر کشوری بدهکار با قرض‌های سنگین بین‌المللی است و چنین سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی کاملا هدفمند و سوگیرانه است. چرایی تخصیص چنین بودجه‌ریزی‌هایی به جایگاه و پایگاه اخوان المسلمین برمی‌گردد که همچنان دولت پنهان در مصر عمل می‌کند. دولت سکولار حاکم در مصر، هرچند به‌ظاهر قدرت را در دست دارد اما چیدمان و گستره نفوذ آن در مصر با وجود مراکز درمانی، آموزشی و تفریحی حتی ازدواج آسان و روش‌های ارتباط‌گیری با جوانان و تاثیرگذاری بر آنها و مسائلی که به‌قول اعراب عام‌البلوا به شمار می‌رود و مردم با آنها سروکار بیشتری دارند در همه اینها اخوان بسیار موفق‌تر از حکومت است و نمی‌شود به‌سادگی نادیده‌اش گرفت یا کنارش گذاشت. به اخوان المسلمین اصولا «دولت سایه» گفته می‌شود.

سکولارها و اخوان المسلمین

وقتی حسن البنا، سال ۱۳۰۷ شمسی یا ۱۹۲۸ میلادی این جریان فکری را بنا گذاشت با این نگاه که اسلام در جامعه نقشی ندارد و تاکید داشت باید اسلام به جامعه و متن زندگی وارد شود و ابزارهای بنیادین و اصلی حکمرانی، سیاسی، تربیتی و پرورشی را دست بگیریم. عبدالفتاح السیسی و دولت مصر به این نفوذ اخوان المسلمین هم توجه ویژه دارد و هم از آن به‌شدت می‌هراسد و در سال‌های اخیر با معرفی چهره‌هایی مثل طه حسین را که یک روشنفکر سکولار و مخالف الازهر و معارض اخوان است، را پررنگ می‌کند تا طیف‌های جوان به‌جای حسن البنا و شیوخ الازهر به او اقبال کنند. طه حسین، چهره‌ای است که تقیدات مذهبی دارد، اما در طیف سکولار ایستاده، زیرا نه به اسلام سنتی الازهری و نه به اسلام سیاسی اخوانی هیچ‌گونه گرایشی ندارد. برپایی یادواره و بزرگداشت‌های سالانه و جایزه سال با نام او از جمله این سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی است. بهترین مدل برای السیسی چنین چهره‌ای است که برای کنار زدن اسلام سیاسی اخوانی و اسلام سنتی الازهری به کار سیاست‌هایش می‌آید؛ کما این‌که وزیر وقت فرهنگ مصر نیز تاکید داشت رهرو/ پیرو همین چهره (طه حسین) است و «طه حسین، روح حاکم فرهنگی دولت مصر» است. می‌دانید با وجودی که السیسی، دست‌وپای الازهر را به‌نوعی کوتاه کرده اما الازهر همچنان در مقابل حاکمیت ایستادگی می‌کند و تأثیرگذار است. دکتر احمد الطیب که چهل و چهارمین شیخ الازهر است حکمی معادل نخست‌وزیر را دارد و جایگاهش هرچند تشریفاتی است اما در مصر بسیار جایگاه بالایی به‌شمار می‌آید. این جایگاه از سوی شیوخ الازهر گزینش و منصوب می‌شود، یعنی دولت در انتخاب ایشان تاثیری ندارد. برخلاف جایگاه مفتی اعظم مصر که مستقیما از طرف دولت برگزیده و نصب می‌شود و رسما کارمند دولت است.

اسلام سنتی مترقی

بجاست این نکته در مورد اسلام سنتی مورد توجه قرار گیرد که نگاه روشنفکران و سکولارها به سردمداران و پیروان اسلام سنتی خیلی نگاه ویژه و امیدبخشی نیست؛ درحالی‌که پژوهش‌های آکادمیک روشن کرده که برخی طیف‌های اسلام سنتی نه ارتجاعی‌اند و نه اخباری و نه واپس‌گرا و راه اسلام سنتی از این جریان‌های بدنام جداست و برخی از سنتی‌های کلاسیک، بسیار مترقی‌اند. امسال ماه مبارک رمضان، علی الجمعه، مفتی اعظم سابق مصر با آن جایگاه خاص در برنامه‌ای ویژه «نورالدین» شرکت داشت که با نوجوان‌ها نشست و به پرسش‌های‌شان پاسخ داد. سنتی‌های مصر به همین امور و دیده‌شدن قانع هستند و چیز دیگری نمی‌خواهند؛ با نسل نوجوان و جوان ارتباط می‌گیرند و به شبهات آنها پاسخ می‌دهند و از این رو اسلام سنتی چنینی، برای سیاست امثال السیسی هیچ خطری ندارد. بال‌وپر دادن دولت و نظام سیاسی مصر به الجمعه و همانند ایشان از آن روست که سد نفوذ اخوانی‌ها در جوانان باشد، بلکه بتواند جایگزین اخوان در این عرصه مهم شود. اما آنچه که خطر بنیادین به‌شمار می‌آید و مانند بمب هسته‌ای در جهان چرخیده و تاثیرگذاریش به چشم می‌آید اخوانی‌ها هستند. اسلام سنتی‌ها یعنی طیف علی الجمعه در حد همین روشنگری درباره شبهات فعالیت دارند. در حالی که اخوانی‌ها از «اسلام الحَرَکی» سخن می‌گویند؛ اسلام حرکت‌بخش جامعه، اسلام دادگرا، اسلامی که به تحرک و پویایی وامی‌دارد، نه انفعال و عادت و روزمرگی.

سریال حشاشین ضد اسلام سیاسی

برگردیم به حشاشین، این سرمایه‌گذاری برای جریانی که السیسی فعلا در چکاد آن است، بسیار آمد دارد و بااهمیت تلقی می‌شود، زیرا با توجه به فضایی که درباره اخوانی‌ها و فعالیت‌های‌شان مرور کردیم، به سود السیسی است که به قول معروف به «مغالطه مسموم‌کردن چاه» دست بزنند. یعنی با نمادسازی منفی از اسماعیلیه منسوب به شیعه و اخوان، آنها را ترسناک، وحشت‌آفرین، تروریست و خونریز نشان بدهند و برای مخاطبان چنین سریالی جا بیندازند که آنها تروریست، روانی و آدمکش بودند. کارشان شست‌وشوی مغزی و تغییر دادن ذهنیت‌ها بوده است. چه سیاست‌گذار و چه سرمایه‌گذار چنین سریال‌هایی به نتیجه‌ای که می‌خواهد می‌رسد، زیرا با ارائه یک محصول حرفه‌ای، خوش‌ساخت، مخاطب‌پسند و چشم‌گیر خواه‌ناخواه مخاطب را مجذوب می‌سازد و در چنین روندی خوراک فرهنگی دلخواه و سفارشی خود را غیرمستقیم به ذهن بینندگان تزریق می‌کند.

> **تحلیل رسانه‌های عربستان در خصوص سریال حشاشین در راستای تعریض به اخوان المسلمین و تخریب چهره این جریان پرنفوذ و موثر جهان اسلام است**

یک راهکار

نکته‌ای که در ابتدای امر باید بدان توجه کرد این است که واکنش «کریم شاه‌الحسینی» رهبر چهل‌ونهم فرقه اسماعیلیون در مورد این سریال چیست که باید منتظر ماند و دید که چه عکس‌العملی نسبت به تحریف تاریخ حشاشین نشان خواهد داد. ولی آن بخش از سریال که به شیعه، نگرشی چنین منفی و دروغین داشته، به نظر می‌رسد در واکنش نخست بایستی رسانه جمهوری اسلامی و صداوسیما در سلسله نشست‌هایی به روشنگری درباره تاریخ حشاشین بپردازد، چراکه به هر حال بخشی از تاریخ ما و کنشگری تاریخی ما در الموت قزوین رخ داده است.

هرچند این فرقه، دوران تاریکی نیز داشته‌اند و در مقاطعی از شریعت دل بریدند و نماز و روزه را کنار گذاشتند اما همچنان لایه‌هایی از آنها هستند که سخن از بازگشت به شریعت می‌زنند و البته فقه اسماعیلی قاضی نعمان (م ۳۶۳ قمری) در کتاب دعائم‌الاسلام نمونه‌ای از فقه اسماعیلی است. بایستی رسمیتی برای اینها در نظر گرفت و مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و مجمع تقریب مذاهب باید به این قضیه عنایت بورزد. هرچند نهادهای امنیتی به این فِرَق تشیع نگاه مثبتی ندارند اما به هر حال باید به این فِرَق تشیع نگاه بازتر و تعامل درستی داشته باشیم.

لزوم شناخت تاریخ ایران

مهم‌ترین مسأله نهادهای فرهنگی و پژوهشی شیعه در مواجهه با سریال حشاشین این است که باید نگاه نسل جوان را به تاریخ‌مان تغییر دهیم و ذهن آنها را تاریخی پرورش بدهیم و آنها را به تاریخ ایران اسلامی پیوند دهیم. می‌دانید که سده چهارم را دوران زرین تمدن اسلامی یا دوران طلایی و رنسانس جهان اسلام می‌شمارند. مثلا جوئل ال. کرمر آمریکایی در کتاب «احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی» چه ستایشی از رویکرد خردگرای انسان‌مدارانه آل بویه داشته است. بارها مقام معظم رهبری به توجه به تاریخ درخشان و متقن ایران پس از اسلام اشاره و بر پرداختن به آن در تولیدات رسانه‌ای تاکید داشته‌اند. ضمن این سخن که منعی ندارد به دوران پیش از اسلام نیز پرداخته شود اما مگر نه این که آل‌بویه و همین حسن صباح، طاهریان، سامانیان و... در همین دوران بودند و برگ‌های زرینی در تاریخ ایران برجای نهادند که قابل قیاس با سایر ادوار پیش از اسلام است.

همین که به تاریخ زرین ایران پس از اسلام نمی‌پردازیم باعث شده یک شبهه سست رایج شود که طلوع شیعه را با صفوی ذکر می‌کنند، در حالی که صفویه فقط سه سده پیشتر از ما بوده است اما در ایران ما، میراث و سکه‌هایی در قرن اول (سال ۸۶ قمری) ضرب می‌شده (مربوط به نوه جعفرطیار) که عمق نفوذ تشیع در ایران را نشان می‌دهد. به عبارت روشن‌تر، تاریخ ما ایرانیان شیعی، با صدر اسلام گره خورده است. باید روی اینها تمرکز کنیم و در پاسخ به کوشش‌هایی مانند تهیه و پخش سریال حشاشین، از این همه انفعال درآییم، وگرنه از نظر فرهنگی همین گسستی که با زومرها و نسل زد داریم، اگر به نوعی در جایی همین زخم، سربازکند، بسیار عواقب وخیم و خطرناکی خواهد داشت؛ زیرا نسل جدید و صدالبته بی‌اطلاع ما، به خاطر تبلیغات باستان‌گرایان غیرعلمی و افراطی به تاریخ قبل از اسلام توجه می‌کند. شاید توجه به تاریخ ایران قبل از اسلام اشکالی نداشته باشد اما وقتی چنان زوم‌کردن‌های هدایت شده و از پیش تعریف شده و هدفمندی به ذهن نسل جدید تلقین می‌شود، به راستی جای نگرانی دارد و تقابل ایران و اسلام شکل می‌گیرد، چراکه پس از اسلام بسیار تاریخ ما درخشان‌تر است. البته پیش از اسلام را انکار نمی‌کنیم. اگر شما موزه‌های ایران باستان، موزه رضا عباسی و ... را بازدید کنید، بالعیان مشاهده می‌کنید که تاریخ ایران پس از اسلام بسیار پر برگ و بار است و خواهید دید که ایران پس از اسلام، شکوه غرورانگیزی دارد.

واقع‌گرایی ضروری

البته سخن در این گفت‌وگو چنین نیست که باید روی حشاشین تمرکز کنیم؛ اما لازم است که در این موضوع تاملی بشود تا دریابیم باید با حشاشین (اسماعیلیه) چه کار کنیم. لازم است و باید اتاق فکری برای تاریخ و مسائل تاریخی طراحی شود تا از این همه بی‌خبری برآییم و تکانی به خودمان بدهیم. اسلام سنتی و سایر جریان‌های اسلامی همچنین رسانه‌ها در این باره واقعا وظیفه دارند و باید مسئولیت و نقش‌شان را ایفا کنند. می‌دانید که سریال حشاشین پر از اشتباهات تاریخی غیرقابل بخشش است. بر پایه افسانه سه یار دبستانی، چهار شخصیت بزرگ را که از نظر تاریخی همزمان بودند در حشاشین محور کرده‌اند. حسن صباح را به‌عنوان رهبر مخوف‌ترین حرکت جهان مطرح کرده تا اسلام سیاسی و شیعه را از این رهگذر بکوبد. خواجه نظام‌الملک چندان کنشگر مهمی در متن نیست و بیشتر حاشیه‌ای است. غزالی را اما این سریال به‌عنوان چهره‌ای پذیرفتنی نمایش داده که دیدگاه سازندگان حشاشین را نمایندگی می‌کند. غزالی در این سریال تجلی همان ورژن سکولاری است که السیسی می‌پسندد. جالب است با اندکی واکاوی می‌توان دریافت که غزالی این سریال، برابر نهاد طاها حسینی است که پسند سکولارهای مصر است. سازندگان سریال واقعا کار کرده‌اند و در پرورش نگاه‌شان و افزودن بار معنایی دلخواه‌شان به چهره‌های تاریخی و بهره‌برداری مورد پسندشان واقعا حرفه‌ای عمل کرده‌اند. باید توجه کنیم این همه زحمتی که کشیده‌اند چرا از ما برنمی‌آید! ما که شکرخدا از نظر امکانات چیزی کم نداریم و فقط باید سلیقه به خرج بدهیم. این سریال به قول قدیمی‌ها «کج؛ اما رج است» یعنی همه‌چیزش حرفه‌ای و خوش‌ساخت است و در مورد سناریوی آن فکر کرده‌اند و در فرهنگ به اصطلاح نقطه‌زنی کرده‌اند.

برش

نگاه رهبری به فرقه‌های شیعی

تاریخ اسماعیلیه در ایران اسلامی و کنش‌های شیعیان اسماعیلی در حاشیه بایسته‌ای قرار ندارد. حتی در کتاب‌های درسی تاریخی ما به آنها توجه مناسب نشده است؛ در حالی که رهبر معظم انقلاب از فرق شیعه با عنوان «ایتام آل محمد» یاد کردند. به این معنا که باید فرقه‌های شیعی را زیر پر و بال گرفت و با آنها تعامل هوشمندانه و عالمانه برقرار و آنها را زیر چتر اهل‌بیت(ع) باز تعریف کرد. به باور من باید درباره رابطه‌مان با نزاری‌ها به بازنگری بپردازیم و این مسأله را جدی بگیریم. با این که آقاخان‌ها سکولار هستند اما مقام معظم رهبری فرموده‌اند که فرق شیعه ایتام آل‌محمد هستند. بالاخره از دل شیعه برجوشیده‌اند و باید با آنها تعامل داشت. این ذهنیت بازرهبری باعث خوشحالی است که در سردمداری کشور عزیزمان، چنین شخصیتی را با افق فکری باز داریم.

دیدگاه

فرصتی برای هند جهت ابراز علاقه به فرهنگ ایران

هند در سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به‌عنوان مهمان ویژه حضور دارد. به همین مناسبت سید اختر حسین کاظمی، ایران‌شناس، پژوهشگر زبان فارسی و استاد گروه مطالعات فارسی و آسیای میانه دانشگاه جواهر لعل نهرو گفت: این برای نخستین بار است که هند به‌عنوان مهمان ویژه به نمایشگاه کتاب تهران دعوت شده و توجه ایران را جلب کرده است. این گام بسیار مهمی است که در جهت گسترش روابط فرهنگی دیرپای دو کشور دوست و هم‌فرهنگ و تا حدی همزبان برداشته شده و روابط دیرینه فرهنگی دو کشور را مستحکم‌تر خواهد کرد. حضور به‌عنوان مهمان می‌تواند برای هند بهانه‌ای باشد تا علاقه خود را به فرهنگ ایران نشان بدهد و آثار ارزنده‌ای را که در زمینه ایران و ایران‌شناسی هم در زمان گذشته و هم در دوران معاصر تولید کرده، در معرض دید مخاطبان قرار دهد و دوستان ایرانی از آن کتاب‌ها و ارمغان هند استفاده کنند. علاوه بر این‌که ناشران هندی کتاب‌های‌شان را به نمایش می‌گذارند و به فروش می‌رسانند، می‌توانند تابلوهایی را هم برای ایرانیان به نمایش بگذارند که آیینه فرهنگ دو کشور است؛ مثل اشعار بسیار نابی که شاعران هندی با توجه به ایران سروده‌اند.

روی قفسه

«تیرنگ» راهی بازار شد

کتاب «تیرنگ» دربرگیرنده چهار نمایشنامه از چهار نویسنده جوان کشورمان در انتشارات سوره مهر به چاپ رسید. تیرنگ عنوان کتابی است که چهار نمایشنامه با عناوین «سرخ او»، «کسی در گور می‌گرید»، «میراشکار» و «میان بر» را در خود جای داده است. سرخ او به قلم مهیار هزارجریبی، برداشت آزادی از یک زندگی واقعی است که با محوریت شخصیت‌های «ننه حوا»، «گل نسا»، «آقای مهندس»، «خسرو» و «صبور» نوشته شده است. کسی در گور می‌گرید، از محمد فخرایی مطلق به بیان واگویه‌های مردمان جنوب به‌خصوص ناخداهای این خطه در مواجهه با توفان و دیگر خطرات دریانوردی و نجات آنها توسط پریان دریایی می‌پردازد که در لحظه به لحظه آن با مراسمی قدیمی به اسم «زار» بیشتر آشنا می‌شویم. نمایشنامه سوم با عنوان میراشکار، از بهناز دوستی پاشاکلایی تصویری از مقاومت و تلاش یک زن مازندرانی برای حفظ بقا و موقعیت و حریم خود است. زنی به نام شوکا در روزهای حماسه قیام مردم آمل و در دل شب با چریکی از گروه سربداران جنگل، در میانه جنگل مواجه می‌شود. آخرین نمایشنامه با نام میان بر، از سجاد بحری نمایشی از روزهای پایانی جنگ تحمیلی و تصمیماتی است که مردم سرزمین ما گرفته‌اند؛ تصمیماتی مانند رفتن یا ماندن.

قاب

«آلاء» راهی تونس می‌شود

نمایش «آلاء» تولید حوزه هنری در ادامه اجراهای بین‌المللی خود این‌بار در هفته دوم اردیبهشت ماه در جشنواره مونودرام کارتاژ تونس به روی صحنه می‌رود.

این نمایش به نویسندگی و کارگردانی محمد کاظم‌تبار است که طراحی آن با استفاده از شیوه‌های مرتبط با حرکات اریال یوگا انجام شده است.

این نمایش، داستان دختری عراقی به نام آلاء را روایت می‌کند که در نوجوانی به دنبال اختلاف شدید با پدرش که سرهنگ ارتش رژیم بعثی عراق است، به ایران می‌گریزد.

در ایران عاشق جوانی ایرانی به نام آرش می‌شود و ازدواج می‌کنند.

همزمان با جنگ تحمیلی در پی آرش به میدان‌های جنگ می‌رود و در عملیاتی به اسارت عراقی‌ها درمی‌آید.